

عنوان مقاله:

استعاره مفهومی زمان در اشعار نیما یوشیج

محل انتشار:

شانزدهمین کنفرانس بین المللی زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

سیده اکرم زاهدی - دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

طاهره صادقی تحصیلی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

قاسم صحرايي - استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

سعید زهره وند - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

خلاصه مقاله:

زبان شناسان شناختی بر این باورند که ذهن، زمان را به صورت اجسام، مکان و ظرف درک میکند. بر ایناساس لیکاف و جانسون سه الگوی زمانی: زمان متحرک و ناظر ثابت، ناظر متحرک و زمان ثابت و توالیزمان ارائه دادند. در این پژوهش در پی پاسخ بدین پرسش ها هستیم: الگوهای زمانی در اشعار نیما چگونه نمود یافته است؟ آیا نیما توانسته است حالات درونی و اوضاع بیرونی جامعه را به مدد الگوهای زمانینعکس کند؟ بسامد کدام الگو بیشتر است؟ بازتاب استعاره های قرار دادی و غیرقراردادی (بدیع) در شعراو چگونه است؟ یافته های تحقیق نشان میدهد اشعار نیما با الگوهای ارائه شده لیکاف و جانسون مطابقت دارد. استفاده از استعاره بدیع در هر دو الگوی زمان متحرک و زمان ثابت چشمگیر است. در بحث الگوی زمان متحرک، گذر زمان به صورت حرکت شیء در محیط، تغییر و تحول در محیط و پر و خالی شدن پیمانها یا ظرف با سیر حرکتی عموماً افقی و گاهی عمودی درک می شود. از نظر فراوانی، الگوی زمان متحرک نسبت به دو الگوی دیگر بسامد بیشتری دارد.

کلمات کلیدی:

استعاره مفهومی، زمان، نیما یوشیج، شعر.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1770830>

